تکمیلی

خطای انسانی پررنگ‌تر است

اگر معادن ایمن باشند، اگر تجهیزات آنها فرسوده نباشد و نوسازی و به روز شده باشند و اگر کارگران برای مراقبت از خود آموزش دیده باشند، سطح حوادث معدنی بسیار کاهش می‌یابد و شاید به‌سمت صفر میل کند؛ مساله‌ای که متاسفانه در عمده معادن کشورمان به‌ویژه معادن استان کرمان خلاف آن را می بینیم. برای این‌که بدانیم این نکات تا چه اندازه در معادن کرمان رعایت می شود سراغ مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کرمان رفتیم. رضا اسماعیلی می‌گوید: ۸۰ درصد حوادث معادن ما ناشی از خطای انسانی شامل خستگی، نبود آموزش و مبادرت به اعمال ناایمن از سوی کارگران است. ۱۸ درصد مربوط به فرسودگی و نقص در ماشین‌آلات و ۲ درصد حوادث هم غیرقابل پیش‌بینی است.

وی می‌افزاید: این آمار منتج از نظارت و بازرسی‌های کارشناسان اداره کار است. بازرسان البته فقط آمار نمی‌گیرند و در بازرسی‌های دوره‌ای و موردی‌شان موارد خلاف قانون را یادداشت می‌کنند. این موارد در اسرع وقت به کارفرما ابلاغ می‌شود و آنها موظف به رفع نواقص موجود در محیط کار و تجهیزات خود تا حصول ایمنی کامل می‌شوند.

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کرمان تاکید می‌کند اگر کارفرماهای معادن به ابلاغیه و تذکر آنها در خصوص رعایت ایمنی معادن توجهی نکنند، به دادگاه معرفی می‌شوند و درصورت بی‌توجهی کامل تعطیل خواهند شد، کما این‌که تاکنون چند معدن به همین دلیل و با معرفی به دادگاه تعطیل شده‌اند. از اسماعیلی درباره گلایه کارگران از عدم پرداخت حق و حقوق و دیه کامل تعلق گرفته به آنها می‌پرسیم و عنوان می‌کند: از کل مباحث دیه و حق و حقوق کارگران، تنها بحث تعیین تقصیر (مقصر کیست و چه اندازه) به عهده کارشناسان اداره امور کار است و بحث پیگیری دریافت این حقوق به عهده خود شاکی است که باید از دادگاه آن را پیگیری کنند. البته عمده کارگران بیمه تکمیلی دارند و بدون شکایت حق دیه آنها پرداخت می‌شود.

کلاه حصیری دشتی زنده شد

نسل قدیم شهرستان دشتی بوشهر، کلاه حصیری مخصوص این شهرستان را یادشان است؛ کلاهی که با شکل و شمایلی متفاوت از سایر کلاه‌های حصیری که با استفاده از برگ درخت نخل و روش بافتی ویژه درست می‌شد و استفاده از آن در گذشته رواج زیادی بین مردم داشت. کلاهی با کاربردی مناسب برای اقلیم آب‌وهوایی این منطقه که متاسفانه به مرور زمان به فراموشی سپرده شده بود و حالا لیلا رحیمی، معاون صنایع‌دستی اداره کل میراث فرهنگی استان بوشهر از احیای این رشته صنایع‌دستی فراموش شده در این منطقه خبر داده و گفته درحال حاضر دو مربی به بافت این نوع کلاه مشغول هستند و آموزش عمومی آن در برنامه معاونت صنایع‌دستی قرار دارد و این امید وجود دارد که با تولید و عرضه بیشتر، این نوع کلاه با اقبال عمومی مردم هم مواجه شود. احیای صنایع‌دستی قدیمی این استان البته به این موضوع ختم نمی‌شود و رحیمی از احیای دو رشته دیگر یعنی چوقه و گلیم دست‌بافت هم در سال‌های اخیر در این استان خبر داده است. / جام جم دیلی

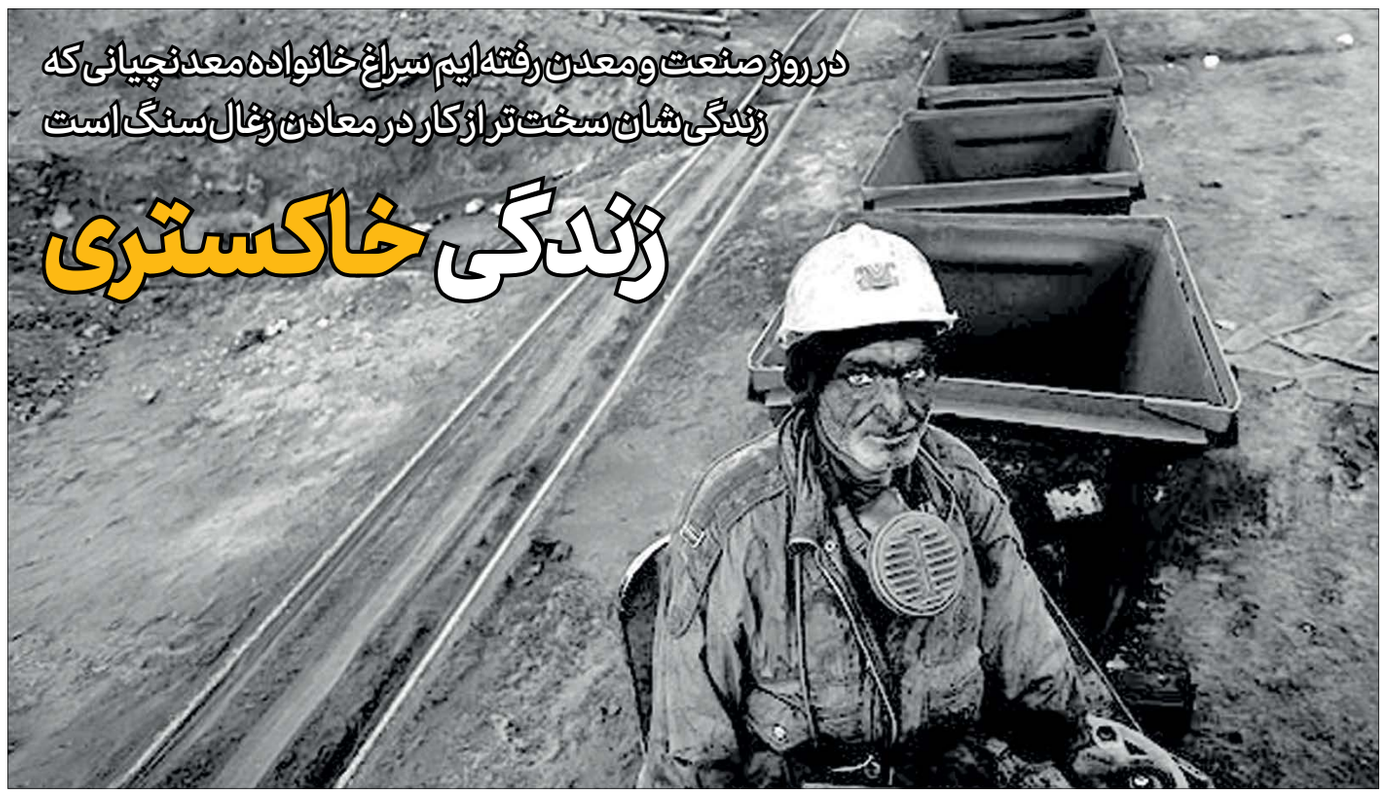

در روز صنعت و معدن رفته‌ایم سراغ خانواده معدنچیانی که زندگی‌شان سخت‌تر از کار در معادن زغال‌سنگ است

زندگی خاکستری

کارگران زیادی هنگام کار در معادن زغال‌سنگ کرمان جان خود را ازدست داده یا دچار نقص عضو می‌شوند

عکس: مهر

حکمت قاسم‌خانی

جام‌جم

ریزش تونل‌های حفر شده در اعماق تاریک و نمور معادن زغال‌سنگ و مدفون شدن در زیر چند تن خاک و زغال، انتشار گاز متان از بین لایه‌های زغال‌سنگ و جرقه‌ای و انفجاری بزرگ و شعله‌های سوزانی که جسم و جان کارگران را به آتش می‌کشد، سقوط از ارتفاع در اعماق زمین، خفه شدن بر اثر گاز گرفتگی و قطع شدن دست، پا و انگشتان، اینها اتفاقاتی است که طی چند دهه اخیر در معادن زغال‌سنگ شمال استان کرمان شاهد وقوعش بودیم؛ اتفاقاتی که جان ده‌ها کارگر را گرفته و ده‌ها کارگر را نقص عضو کرده‌است.

آنها که جان باختند جای خالی پرمهرشان و پایان همان چند قرص نان که سرسفره می‌بردند، سختی زندگی همسر و فرزندانشان را دوچندان کرده و آنها که دچار نقص عضو شده‌اند، بی‌رحمی زندگی و روزگار را نوعی دیگر تجربه می‌کنند؛ آنگاه که برای احقاق حق و دریافت حقوق قانونی خود تلاش می‌کنند و در بسیاری موارد راه به جایی نمی‌برند و این یعنی روزگار سیاه برای معدنچیانی که هیچ حامی و همراهی ندارند و گویا قرار نیست ورق بخت سیاهشان به سپیدی برگردد.

بسیاری از مردم شهرستان‌های استان کرمان در معادن زغال‌سنگ کار می کنند، این درحالی است که آنها در زمان حیات از کمترین حقوق کارگری بی‌بهره‌اند و پس از فوت‌شان نیز خانواده آنها زندگی سراسر رنجی را سپری می‌کنند

طی تمام سال‌هایی که از خصوصی‌سازی معادن می‌گذرد گاه به‌دلیل عدم به‌کارگیری وسایل و تجهیزات ایمنی مناسب توسط پیمانکار معدن برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها و گاه سهل‌انگاری کارگران در رعایت نکردن نکات ایمنی، حوادث متعددی برای کارگران رقم خورده و جان ده‌ها معدنچی زغال‌سنگ در استان کرمان گرفته شده، حال این‌که پس از وقوع این حوادث چه خانواده کشته‌شدگان و چه معدنچیانی که دچار مجروحیت و نقص عضو شده‌اند به‌دلیل پروسه سخت دریافت دیه از شرکت‌های بیمه‌گذار برای گرفتن دیه فوت یا نقص عضو با مشکلات زیادی مواجه بوده‌اند؛ به‌گونه‌ای که برخی از آنها با وجود شرایط سخت زندگی یا نتوانستند دیه خود را دریافت کنند یا دیه آنها به‌دلیل مقصر معرفی شدن کارگر، کامل پرداخت نشده‌است. در این میان پیمانکاران متخلفی نیز بوده‌اند مانند پیمانکار معدن باب نیزو که دیه کارگران جانباخته بر اثر انفجار در این معدن را پرداخت نمی‌کرد و خانواده معدنچیان را سال‌ها درگیر رفت و آمد برای دریافت دیه کرد. از سوی دیگر کارگرانی هستند که حین کار در معادن زغال‌سنگ آسیب دیده و پس از طی کردن روند درمان به بهانه عدم توانایی و کارایی، دیگر توسط پیمانکار معدن به‌کار گرفته نشده‌اند و اکنون زندگی سختی دارند. یک نمونه‌اش کارگری به نام جلالی که با ۱۵ سال سابقه کار، طی حادثه‌ای در معدن زغال‌سنگ اسدآباد هجدک، بازوی دستش آسیب جدی می‌بیند و برای تامین هزینه ۱۷ میلیون تومانی درمان دستش مجبور می‌شود حتی فرش خانه‌اش را بفروشد؛ کارگری که با وجود داشتن دو فرزند دانشگاهی و هزینه‌های بالای تحصیل آنها، زندگی‌اش زیر قرض و بدهی است.

داستان محمد

مصداق دیگرش کارگرانی همچون محمد اسلامی ۴۳ ساله ساکن روستای طالقان است که به‌رغم ۱۲ سال کار کردن در معدن زغال‌سنگ طی حادثه‌ای کمرش می‌شکند و چند ماه پس از طی کردن مراحل درمانی در حالی که می‌خواهد دوباره مشغول به کار شود با این پاسخ مدیران معدن مواجه می‌شود که اگر می‌توانی در بخش استخراج کار کن وگرنه به خانه‌ات برگرد. ما اینجا کار سبک نداریم. وی از چهار سال پیش تاکنون بیکار است و در خانه‌ای نیمه‌ساز در شرایطی سخت در حالی روزگار می‌گذراند که همسرش مجبور است برای تامین هزینه‌های زندگی‌شان در کشتارگاه مرغ زرند به‌سختی کار کند. سراغ محمد اسلامی می‌رویم و از او می‌شنویم که علی‌رغم شکستن کمرش بر اثر ریزش زغال‌سنگ مسؤولان معدن او را ۲۵ درصد مقصر معرفی کرده و فقط ۵۰ میلیون تومان دیه به او پرداخت کرده‌اند: «طبق گفته مسؤولان معدن فقط بر اثر وقوع حوادثی همچون انفجار یا گازگرفتگی در معدن، شرکت پیمانکار صددرصد مقصر می‌شود و دیه را کامل می‌پردازد و در حوادثی که حین کار رخ می‌دهد نیز همیشه کارگران مقصر معرفی می‌شوند. من نسبت به این تصمیم اعتراض و شکایت کرده، اما هنوز پاسخی دریافت نکرده‌ام.» او به وضعیت کارگران دیگری همچون غلامرضا پاکروان اشاره می‌کند که بر اثر حادثه در معدن زغال‌سنگ از ناحیه چشم آسیب جدی دیده و فقط یک سوم دیه کامل را به او پرداخت کرده‌اند و در حال حاضر مانند او بیکار است. محمد اسلامی از کارگر دیگری به نام احمد شهرکی نام می‌برد که پس از آسیب‌دیدن دستش در معدن، به او کاری متناسب با وضعیت جسمانی‌اش واگذار نکردند تا او نیز اکنون بیکار باشد. یکی دیگر از کارگران نیز پاشنه پایش توسط اسکی داخل معدن قطع شده و اکنون بدون دریافت دیه بیکار است.

گردنج اینجا پراکنده است

علیرضا گلستانی ساکن شهر زرند یکی دیگر از این کارگران معدن است که پس از ۱۹ سال کار کردن در معدن زغال‌سنگ، پنج سال است بیکار شده‌است.

او با اشاره به این‌که در حال حاضر با وجود داشتن چهار فرزند، کارگر فصلی است و به سختی هزینه‌های زندگی و اجاره‌خانه را تامین می‌کند به جام جم می‌گوید: متاسفانه به دلیل این‌که سنم بالای ۴۰ سال است و به لحاظ جسمی به خاطر کار در معدن ریه‌هایم مشکل دارد هیچ جا به من کار نمی‌دهند. وی می‌افزاید: پس از این‌که فروردین ۱۳۹۴ معدن تعطیل و من و دیگر کارگران بیکار شدیم، مدتی از بیمه بیکاری استفاده کردم، اما به دلیل این‌که توان پرداخت حق بیمه را نداشتم دیگر نتوانستم بیمه‌ام را ادامه دهم و اکنون بیمه و درآمد ثابتی ندارم. خوشبختانه پس از چند سال تعطیلی معدن، بهمن سال گذشته دوباره این معدن بازگشایی شد، اما کارفرمای شرکت پیمانکار معدن من و دیگر کارگرانی را که سال‌ها در این معادن کار می‌کردیم و بیکار هستیم به کار نگرفت و به ما گفت شما از کار افتاده و فرسوده شده‌اید و بدنتان دیگر توان ندارد. درد ما اما فراتر از این است و مصداق دیگرش این‌که بسیاری از پیمانکاران معادن زغال‌سنگ در بخش خصوصی حق بیمه کارگران را با پایین‌ترین پکیج بیمه‌ای پرداخت می‌کنند که یک ظلم آشکار در حق آنهاست. متاسفانه حکایت علیرضا، غلامرضا و محمد حکایت همه کارگران معدن کرمان است و در هر یک از شهرها و روستاهای واقع در شمال استان کرمان از زرند، چترود، هجدک و راور گرفته تا پابدانا، دشتخاک و کوهبنان که اقتصادشان وابسته به فعالیت معادن زغال‌سنگ است می‌توان خانواده‌های کارگرانی را یافت که از وضعیت سخت کار در اعماق معادن زغال‌سنگ ناراضی هستند.

مکث

دیه مان را به ما ندادند

در روستای طالقانی شهرستان زرند، معدنچیان دیگری نیز هستند که در سال‌های گذشته جان خود را در معادن زغال‌سنگ از دست داده‌اند و اکنون خانواده‌های آنها با مشکلات متعددی مواجه هستند. یکی از این معدنچیان مرحوم رضا صادقی است که سال ۹۲ بر اثر گازگرفتگی در معدن زغال‌سنگ چشمه پودنه کشته می‌شود و اکنون همسر او نرگس سرداری با داشتن دو پسر ۱۵ و ۱۱ ساله در شرایط سختی زندگی می‌کند.

نرگس سرداری به ما از روزهای سخت زندگی یک زن بیوه با دو در روستایی کوچک می‌گوید. وی با بیان این‌که شوهر مرحومش پس از ۱۲ سال کار کردن در معدن زغال‌سنگ سرانجامی جز مرگ نداشت، می‌گوید: «رضا به خاطر کار کردن در تونل زغال‌سنگ و آسیب دیدن ریه‌هایش دچار تنگی نفس می‌شد و شب‌ها نمی‌توانست بخوابد و مجبور بود هنگام خوابیدن دو بالش زیر سرش بگذارد تا نفسش نگیرد. از سوی دیگر کمردرد و پادرد امانش را بریده بود. این حکایت زندگی همه کارگران معدن است؛ کارگرانی که در تونل معادن زغال‌سنگ کار می‌کنند، چه حین کار و چه پس از ۲۰ سال کار زمانی که می‌خواهند بازنشسته شوند بر اثر عوارض ناشی از کار سخت در اعماق معادن دچار بیماری‌های متعدد هستند.

حق دیه فوت همسر نرگس خانم در سال ۹۳ پرداخت شده، اما نه به او و فرزندانش، بلکه به پدرشوهرش، به عنوان قیم بچه‌ها و او حق استفاده از این مبلغ و هزینه برای فرزندانش را ندارد: «در حال حاضر از مستمری ماهانه یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومانی شوهر مرحومم یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان به من پرداخت می‌شود که با این مبلغ به سختی می‌توان زندگی را گذراند.»

وی با بیان این‌که فرزندانش با گذشت هفت سال از فوت پدرشان هنوز بی قرار او هستند، می‌گوید: «متاسفانه کارگرانی که می‌میرند اسیر خاک می‌شوند و خانواده شان که می‌مانند اسیر مشکلات زندگی هستند.»

درد

غم همسری که نیست و مطالباتی که دریافت نشده

۲۴ خرداد ماه سال جاری رضا میرزایی، کارگر ۴۴ ساله معدن زغال‌سنگ پابدانا جنوبی پس از پایان کار در اعماق معادن زغال‌سنگ هنگامی که می‌خواست همراه چند نفر از همکارانش سوار نفربر (اسکی تونل) شده و از اعماق چند صد متری معدن زغال‌سنگ بالا بیاید دچار حادثه شده و بر اثر برخورد با ریل در ورودی از ناحیه دست، پا و شکم دچار مصدومیت شدید می‌شود و دو روز بعد، پس از دو عمل جراحی در بیمارستان زرند جان خود را از دست می‌دهد. برای گفت‌وگو با خانواده این کارگر عازم محل زندگی‌اش در روستای طالقانی شهرستان زرند در ۱۰۰ کیلومتری شهر کرمان می‌شویم. زرند شهری است نسبتا بزرگ و صنعتی که اقتصادش علاوه بر کشت محصول پسته، بر پایه فعالیت معادن زغال‌سنگ و صنایع جانبی آن همچون کارخانه زغال‌شویی، مجتمع‌های کک‌سازی، قطران و فولاد بنا شده و به همین خاطر است که تعداد قابل توجهی از مردان این شهر و روستاها و شهرهای اطراف از طریق کارکردن در معادن زغال‌سنگ و صنایع جنبی و وابسته به آن کسب درآمد می‌کنند. با عبور از شهر زرند و پیمودن حدود ۵ کیلومتر به روستای طالقانی می‌رسیم؛ روستایی که بیشتر مردان آن را کارگران معادن زغال‌سنگ تشکیل می‌دهند. خانه کوچک مرحوم رضا میرزایی در خیابان امام خمینی این روستا واقع شده؛ خانه‌ای که بنرهای مشکی رنگ تسلیت روی آجرهای قرمزرنگش خودنمایی می‌کند. شمسی میرزایی، همسر مرحوم رضا میرزایی به استقبال مان می‌آید و وارد خانه ۶۰ متری شان می‌شویم که پس از وقوع زلزله بازسازی شده و سرپناه او و ۴ فرزند مرحوم میرزایی است.

صحبت‌های شمسی میرزایی با هق هق گریه آغاز می‌شود؛ از روزهای سخت زندگی و کار شوهر مرحومش می‌گوید، از این‌که چگونه ۱۷ سال کار سخت و پرزحمت با مرگی سخت‌تر پایان یافت: «سینه رضا از مدت‌ها پیش بخاطر کار در معدن خراب بود و درد می‌کشید. شب‌ها که می‌خوابید صدای خس خس سینه امانش را می‌برید و دائم خلط از سینه‌اش خارج می‌شد. شب قبل از حادثه به او گفتم اوضاع سینه‌ات خیلی خراب است، باید فکری برای درمانش کنی، گفت غصه نخور خوب می‌شوم، تو نگران من نباش. مدام نگران بود و کابوس می‌دید. یک روز به رضا گفتم خواب دیده‌ام که از معدن اخراجت کرده‌اند و بیکار شده‌ای، نگاهی به من انداخت و گفت: ای کاش بیرونم می‌کردند، سختی کار امانم را بریده و بیچاره شده‌ام....»

وی به چگونگی وقوع حادثه برای همسر مرحومش که در اعماق ۶۰۰ متری معدن دچار حادثه می شوند، اشاره کرده و می‌گوید: «از وقتی او رفته زندگی سخت‌مان، سخت‌تر شده‌است. پسر چهار ساله‌ام به نام سجاد خیلی بابایی است و شب‌ها بی‌قراری می‌کند و بهانه او را می‌گیرد. فقط بی قراری بچه‌ها نیست، مساله تامین مخارج آنها هم هست. سه ماه آخر حقوق همسرم هنوز پرداخت نشده، ضمن این‌که مبلغ ۲۵ میلیون تومان از سال‌های قبل از یکی از مدیران این معدن طلبکار است که با وجود پیگیری‌های فراوان هنوز به ما پرداخت نشده که در صورت دریافت می‌توانیم به زخمی از زخم‌هایمان بزنیم.»

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۶۸۵

جدول عادی

افقی: ۱) از آلات موسیقی- زهرخورده- دلیری ۲) محل عبور و مرور عابران- برنامه استعدادیابی شبکه سه سیما ۳) از ظروف آزمایشگاهی- صبروشکیبایی- کارناتمام! ۴) آشکار- ادعای دروغین- دلیر و بی‌باک ۵) مایه زحمت دیگران- ابزار و وسایل- از میادین مهم و اصلی تهران ۶) شکم بند طبی- مرطوب- پایتخت ژاپن ۷) بالاپوش بلند مردان قدیم- مولد الکتریسیته- بانوی همدم ۸) نویسندگی- تنظیم کلی موتور با دستگاه الکترونیکی ۹) نادر- وضعیت روحی و خلقی- امیدواری ۱۰) رساندن پیام- دلباخته یوسف(ع)- بله انگلیسی ۱۱) اجاره‌بها- شهرستانی در استان بوشهر- تبهکاران ۱۲) شهری در گیلان- پاسبان- خوراکی برای چارپایان ۱۳) ستون بدن- باشگاه فوتبال ترکیه‌ای- نمایان ۱۴) بلدیه امروزی- پایتخت کشور گینه ۱۵) یك‌دوم چهره- گریز از دشمن- پول فلزی.

عمودی: ۱) از نیروهای نظامی کشورمان- میوه‌ای آبدار- پوشاك فصل سرما ۲) قوی- آبزی خوراکی با بدن دراز و کشیده ۳) کشتزار خربزه- سردار کارتاژ- گریز حیوان ۴) مروارید دهان- از بیماری‌های پوستی- زعلوفه ۵) ماه شاعرانه- شهری در هند- وسیله دفاعی گوزن ۶) فلزگلوله- اداره‌کننده- وسیله‌ای برای جلوگیری از افتادن کتاب‌ها در قفسه ۷) خمیده- درس نگارشی- پاك کردن آلودگی‌های فکری و اخلاقی ۸) معشوق- عازم شدن ۹) خداوند- پیوسته- ورزش یخ و چمن ۱۰) سوره سی و هفتم قرآن- لازم- نامبارك ۱۱) جرقه آتش- بازگرداندن عملکرد طبیعی عضو پس از آسیب یا بیماری- یادداشت ۱۲) روستای گردشگری کرمانشاه- فاعل- فرنگ ۱۳) نام آذری- دفاع آخر در ورزش- شماره نامه اداری ۱۴) از جزایر زیبای یونان- گوش این حیوان بر روی پاهایش است ۱۵) آماده کردن- ترس- کادو.

جدول ویژه

افقی: ۱) شهری صنعتی در غرب آلمان- بی‌نظم و ترتیب- گوشواره ۲) دارای پستی و بلندی- فضاپیمای آمریکایی ۳) آفت‌ها- انژکتور- سطح چیزی ۴) بیزار- جسارت- دوستی و محبت ۵) نامربوط- انعکاس صوت- مقابل آمد ۶) عضو رونده- فرمانی نظامی- پرنده‌ای کوچك با پرهای گرانبها ۷) کلمه استثناء- خدای هندو- منسوب به یمن ۸) تحقیق و پژوهش- آنچه از زمین بروید ۹) خونخوار مغول- فقر و بی‌چیزی- پرستش ۱۰) گلن‌گدن- پیاپی- حرف همراهی ۱۱) طلای قالبی- آوای حزین- بی‌همتا ۱۲) حرکتی در ژیمناستیك- پیشرفته و مدرن- شایستگی ۱۳) میان- از غنی‌ترین موزه‌های جهان در شهر برلین- مسیر یك جرم آسمانی ۱۴) ملغمه- با بخت نامساعد روبه‌رو شدن ۱۵) خنده بلند- وضع موجود- راه روشن.

عمودی: ۱) آفریده شدگان- از ظروف آشپزخانه- سیلی ۲) ورزشی گروهی- داخلی‌ترین لایه مغز ۳) مخفی- غذایی ایرانی و خوشمزه- سفیدآذری ۴) پراکنده- تظاهر به نیکوکاری- سهم، جیره ۵) همسر زن- فرمانروای زابلستان در زمان بهرام گور- شکستگی در سنگ ۶) ابریشم ناخالص- متقارب- نوعی پارچه پشمی ۷) برونش- گرو گذاشته شده- نفس سرزنش‌کننده آدمی ۸) بینی فیل- تاج ۹) هیدروکربنی مایع برای بی‌هوشی- مرکز مرکزی- شیفت ۱۰) شاخه‌ای از فیزیك که به شناخت نور می‌پردازد- از رنگ‌های ترکیبی- صدای بلند ۱۱) کلمه پرسش- بانوی پرستار چراغ به دست- میوه ۱۲) ورزشی رزمی- گل رازقی- همیشگی ۱۳) پسوند نسبت- نمایشنامه‌ای درباره شهادت حضرت رقیه(س) نوشته علی مؤذنی- جاهل ۱۴) گوشه‌ای در دستگاه ماهور- سرزمینی که وسعت آن برابر چند کشور است ۱۵) پدر علم تاریخ- یگانه- لبه پایین جامه.

حل جدول عادی شماره ۵۶۸۴

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	ر	ک	■	ب	ا	ز	پ	ر	س	ی	■	ب	ک	ر
۲	م	ا	ن	ا	گ	و	ا	■	م	خ	ا	ب	ر	ا	ت
۳	ک	و	ک	ب	■	خ	ی	ر	ا	ت	■	خ	و	ک	■
۴	ا	ر	و	پ	ا	■	ا	ن	د	ک	ن	ت	ج	ا	ر
۵	ن	■	ر	ا	ی	ن	■	ت	ی	و	ر	■	ی	■	ا
۶	ا	ی	■	ش	ا	ه	ر	ک	■	ش	و	ا	ل	ی	ه
۷	ت	ا	ک	■	م	ا	ز	ن	ی	■	ی	ر	ق	ا	ن
۸	■	م	ی	ک	ا	د	و	■	ک	ت	ا	ی	و	ن	■
۹	م	ف	ت	و	ل	■	ه	ک	ت	ا	ر	■	ه	ک	ر
۱۰	م	ت	و	ا	ل	ی	■	م	ا	ک	و	ل	■	ی	ن
۱۱	ل	■	■	ن	ه	ا	ی	ی	■	ا	ی	ت	م	■	گ
۱۲	■	ح	ش	ت	■	ر	ک	ا	ب	■	ی	و	ح	ن	ا
۱۳	ل	ب	و	■	س	ر	ب	ا	ز	■	ن	ک	ی	ر	■
۱۴	م	ق	د	م	ا	ت	ی	■	ب	ا	ز	ی	م	و	ن
۱۵	ک	ه	ر	■	ز	ن	ز	ی	ا	د	ی	■	ه	ن	گ

حل جدول ویژه شماره ۵۶۸۴

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ت	ر	م	■	ا	س	ت	غ	ا	ر	ه	■	غ	و	ک
۲	ا	س	ت	ن	ت	ا	ج	■	ک	ی	ن	ا	ی	ر	چ
۳	ت	و	ح	ش	■	م	ر	ا	ت	ب	■	ش	ر	ط	■
۴	ن	خ	ج	ی	ر	■	د	و	ی	ل	■	م	ت	■	م
۵	ه	■	ر	م	و	ز	■	ر	و	ا	ی	ی	■	■	ت
۶	ا	ن	■	ن	ی	ا	م	ی	■	س	و	ز	ن	ا	ک
۷	م	ا	م	■	ا	ه	ر	ا	م	■	م	ا	گ	م	ا
۸	■	ر	ا	م	ی	ر	و	■	غ	ز	ا	ز	ی	ل	■
۹	ا	و	ر	ک	ت	■	ب	ت	■	د	ی	ل	■	ن	ا
۱۰	ت	ن	ک	ا	ب	ن	■	د	ل	ر	ح	م	■	ک	ن
۱۱	ن	■	■	ن	ت	ب	و	ک	■	ش	ا	■	م	ا	ج
۱۲	ا	ب	ر	ی	■	ر	ج	ا	ل	■	ر	س	ا	ن	ا
۱۳	■	ن	ا	س	■	د	و	ر	ا	ن	■	ر	ج	ی	م
۱۴	ا	ب	و	م	ح	م	د	■	ک	ش	ا	و	ر	ز	ی
۱۵	ز	ن	د	■	م	ن	ی	ز	ی	و	م	■	ا	ه	ن